

anfassen لغت روز Wort des Tages

written by مرتضی غلام نژاد | فوریه 21, 2017

anfassen یک فعل جدا شدنی می باشد

لمس کردن ، با دست چیزی را گرفتن ، با لمس نمودن چیزی را احساس کردن ، به آرامی چیزی را در دست گرفتن ، در امور بدنی و مربوط به کارهای فیزیکی کمک کردن ، با کسی رفتار خاصی داشتن ، آغاز به کاری کردن

گذشته ساده : fassten an

گذشته کامل : haben angefasst

Etwas anfassen

چیزی را لمس کردن

Etwas vorsichtig anfassen

چیزی را با احتیاط لمس کردن

Zum Anfassen

همخو ، هم مشرب ، خوش برخورد

معمولا جایگزین صفت می شود

Ein Politiker zum Anfassen

یک سیاستمدار خوش مشرب

Die Mutter fasst das Kind an

آن مادر آن بچه را لمس میکند

Bitte nicht anfassen

لطفا دست نزنید

Nur gucken, nicht anfassen

فقط نگاه کن ، دست نزن

Ich schwöre, dass ich es nicht angefasst habe

من قسم می‌خورم که من به آن دست نزده‌ام

Meine Freundin will sich nicht anfassen lassen

دوست دخترم نمیخواهد بذاره لمسش کنم

Oh, wie niedlich die Welpen sind! Darf man die mal anfassen?

اوه ، آن توله سگ ها چقدر نازند ، آدم اجازه داره لمسشون کنه ؟

Fass mal das Brot an! Es ist noch ganz warm. Lecker!

دست بزنی به آن نان ، اون هنوز کاملاً داغ است ، به به !

Lecker یک صفت می باشد

خوشمزه ، اشتها آور ، جذاب ، پرکشش ، مسحور کننده

Schmeckt es dir?

!Ja, danke, es ist sehr lecker

مزه می‌ده بهت ؟ یا میچسبه بهت ؟

اره مرسی ، آن خیلی خوشمزه است

Guck mal, das leckere Mädchen da drüben!

نگاه کن ، آن دختر جذاب رو که در آن سمت

Das Leckere Mädchen

متاسفانه در ادبیات امروزی فارسی زبان ها به این دسته از دخترها داف گفته می شود. ?